**باسمه تعالی**

موضوع: قاعده لا ضرر/مفاد /معنای ضرار

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در بررسی مفاد قاعده لا ضرر به معنای ضرار رسید و بیان شد مرحوم اصفهانی در مورد معنای ضرار و باب مفاعله بر این عقیده است که معنای باب مفاعله تعدیه است به همان معنایی که فعل به واسطه ادات متعدی می شود، اما در ادامه اشکالی به بیان ایشان مطرح شد به این بیان که مفاد تعدیه با ادات، با تعدیه به مفاعله متفاوت است و نمی توان هر دو تعدیه را به یک معنا دانست.

## اشکال به بیان مرحوم اصفهانی: مفاعله، موجب انقلاب معنا

اولا؛ نباید عمد را در مفاد مفاعله داخل کرد بلکه این هیئت باعث انقلاب در معنای "جلس" می شود، و جالس به معنای هم نشینی می شود.

ثانیا؛ در بسیاری از موارد معنای مشارکت در هیئت مفاعله وجود دارد کما این که نسبت به ضارب و قاتل این مشارکت وجود دارد و غیر قابل انکار است، بنابراین نمی توان مشارکت را از جمیع موارد هیئت مفاعله نفی نمود.

لذا حق این است که هیأت مفاعله در این موارد دال بر نوعی از مشارکت است[[1]](#footnote-1) منتها مشارکتی که با مشارکت در باب تفاعل متفاوت است به این بیان که فعل در باب مفاعله مقید به نوعی از مشارکت اخذ می شود، به عنوان مثال "ضارب" به واسطه هیئت مفاعله به معنای زدنی است که اجمالا کتک خوردن هم در آن وجود داشته و صرف زدن نبوده است.

# احتمالات در معنای ضرار

در مورد ضرار (هیئت مفاعله) از مجموع کلمات، شش احتمال وجود دارد.

1. ضرار به معنای مشارکت طرفین.

2. ضرار به معنای ضرر و تاکید ضرر(مرحو م آخوند)، البته ناگفته نماند که این تأکید مستلزم هم معنایی مصدر و اسم مصدر نیست بلکه مراد این است که معنای مشارکت در آن وجود ندارد و از این حیث عینیت وجود دارد نه به نحو مطلق.

3. ضرار به معنای مجازات، پس لا ضرار یعنی اگر کسی به انسان ضرر زد نباید برای جبران این ضرر و انتقام، به ضارّ ضرر زد.

4. ضرار به معنای محض ضرر زدن است بدون این که نفعی هم از این ضرر زدن ببرد، بر اساس روایت حمزه غنوی و ماجرای سر شتر و پوست آن.[[2]](#footnote-2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعِرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ شَهِدَ بَعِيراً مَرِيضاً وَ هُوَ يُبَاعُ فَاشْتَرَاهُ رَجُلٌ بِعَشَرَةِ دَرَاهِمَ فَجَاءَ وَ أَشْرَكَ فِيهِ رَجُلًا بِدِرْهَمَيْنِ بِالرَّأْسِ وَ الْجِلْدِ فَقُضِيَ أَنَّ الْبَعِيرَ بَرَأَ فَبَلَغَ ثَمَنُهُ دَنَانِيرَ قَالَ فَقَالَ لِصَاحِبِ الدِّرْهَمَيْنِ خُذْ خُمُسَ مَا بَلَغَ فَأَبَى قَالَ أُرِيدُ الرَّأْسَ وَ الْجِلْدَ فَقَالَ لَيْسَ لَهُ ذَلِكَ هَذَا الضِّرَارُ وَ قَدْ أُعْطِيَ حَقَّهُ إِذَا أُعْطِيَ الْخُمُسَ.***[[3]](#footnote-3)***

5. ضرار به معنای تعمد ایصال ضرر (مرحوم اصفهانی).

6. ضرار به معنای تصدی و اقدام بر ضرر زدن ولو این که منجر به تحقق نشود (مرحوم خویی).

1. . اگر معنای اصلی نباشد. [↑](#footnote-ref-1)
2. . البته برخی روایت سمره را هم بر این معنا تطبیق نموده اند. [↑](#footnote-ref-2)
3. . الكافي (ط - الإسلامية)، ج‌5، ص: 293 [↑](#footnote-ref-3)